

## عوامل مؤثر بر ارتقاء سطوح تقسیمات کشوری (نمونه موردی: شهرهای استان چهارمحال و بختیاری)

افشین متقی<sup>۱</sup>، آرش قربانی سپهر<sup>۲</sup>، وحید امیری<sup>۳</sup>

### چکیده

تقسیمات کشوری به فرآیند تقسیم کشور به واحدهای کوچک‌تر، اطلاق می‌شود. لذا، هر حکومتی برای اداره‌ی قلمرو سرزمینی خود و بهره‌برداری بیشتر از آن، شکوفاسازی استعدادها و توانایی‌های مناطق، ایجاد شرایط مساعد برای بهبود اوضاع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... کشور و تأمین امنیت در کشور ناگزیر است که کشور را به واحدهای کوچک‌تر تقسیم کند. بر این مبنای پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا، پیمایشی است. روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق روش کتابخانه-ای اینترنتی و میدانی است و از لحاظ چگونگی پردازش و تفسیر یافته‌ها و متناسب با راهبرد کیفی، از روش پیمایش «توصیفی-تحلیلی» بهره گرفته شده است. از جمله اهداف تحقیق حاضر، بررسی و تحلیل وضع موجود استان چهارمحال و بختیاری و به توصیف نظام‌مند آن می‌پردازد. ضرورت تحقیق از آن روست که ارتقاء سطوح تقسیمات کشوری ارتباط سراسری با تأمین امنیت، رفاه و توسعه و جلب رضایتمندی مردم چهارمحال و بختیاری دارد. به هر ترتیب تقسیمات کشوری در این استان با هدف به سامان شدن این فضا مبتنی بر سه اصل یاد شده صورت گرفته است. بر این اساس، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که عوامل مؤثر بر ارتقاء سطوح تقسیمات کشوری در شهرهای استان چهارمحال و بختیاری کدامند؟ نتایج نشان از آن دارد، در استان چهارمحال و بختیاری عواملی نظیر محرومیت و توسعه نیافته بودن منطقه، موقعیت جغرافیایی و وضعیت طبیعی استان، دور افتادگی و دسترسی نامناسب روستاییان به مراکز خدماتی و... در تقسیمات کشوری نقش مؤثر داشته‌اند.

کلیدواژه‌گان: فضا، سازماندهی سیاسی فضا، تقسیمات کشوری، ایران، چهارمحال و بختیاری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. نویسنده مسئول: دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران a.mottaghi@khu.ac.ir

۲. دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران ar.ghorbanisepehr@mail.um.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی vahid.amiri@yahoo.com

## بیان مسأله

جغرافیا شیوه‌های سازمان‌بندی، پراکندگی اشکال و جمعیت‌ها را به معنای مجموعه‌ای از افراد بر روی زمین مورد مطالعه قرار داده و به‌گونه‌ای اختصاصی‌تر مطالعه گروه‌های انسانی است که به آماده‌سازی فضا می‌پردازند. با این تعریف فضا و چگونگی سازمان‌یابی و تحول و تطو آن در زمان و مکان را می‌توان موضوع و کانون توجه علوم جغرافیایی و مکاتب فکری مختلف آن و به‌طور اختصاصی جغرافیای سیاسی از دیرباز تا کنون تلقی کرد (میرشکاران، ۱۳۹۲: ۱). لذا، سازماندهی فضا یکی از ابعاد تعیین‌کننده جوامع انسانی و بازتاب وقایع اجتماعی و محل تجلی ارتباطات اجتماعی است. از این‌رو، تجزیه و تحلیل کنش بین فضا و اجتماع در فهم بی‌عدالتی‌های اجتماعی و چگونگی تنظیم سیاست‌های برنامه‌ریزی برای کاهش یا حل آنها ضروری است (Dufaux, 2008: 2). در کشورهای بسیط از قبیل: «فرانسه، دانمارک، فنلاند، پرتغال، سوئد و یونان، حکومت مرکزی سازماندهی فضا را در سراسر کشور به اجرا درمی‌آورد، اما در تفویض میزان اختیارات به سطوح پایین‌تر مدیریتی تفاوت‌هایی وجود دارد. در کشور یونان سازماندهی صرفاً با حکومت مرکزی است، اما در انگلستان و پرتغال مسئولین محلی در سازماندهی فضا نقش مهمی ایفا می‌کنند (قریب، ۱۳۸۷: ۲۱). در اغلب کشورها تقسیمات درون کشوری به نوعی دارای خصلت سیاسی است. سرزمین‌های تقسیم شده اگرچه همانند دولت مستقل دارای قلمرو، سرزمین، مردم و سکنه‌ی مشخص، سازمان سیاسی و اداری هستند، اما وجه و صفت استقلال را ندارند و سازمان‌های سیاسی و اداری آنها وابسته به تشکیلات ملی است (حافظ-نیا، ۱۳۸۷: ۳۷۰). بر این بنیاد توزیع قدرت در هر یک از نظام‌های سیاسی متفاوت است. هر زمان عامل قدرت بر فضای جغرافیایی سلطه می‌یابد، سیستم ارزشی خود را در آن فضا مستقر می‌نماید. (رومینا، ۱۳۹۰: ۲۸). در واقع بین نظام‌های حکومتی و الگوی توزیع فضایی قدرت سیاسی و احاطه اقتدار تصمیم‌گیری به نواحی جغرافیایی رابطه وجود دارد. به‌نظر می‌رسد که در میان نظام‌های سیاسی کنونی جهان به اندازه تعداد کشورها، الگوی توزیع و پخش فضایی قدرت وجود دارد که دو نمونه کاملاً یکسان را نمی‌توان یافت. دولت‌ها طیفی از توزیع قدرت را در سرزمین خود گسترانده‌اند که با دیگری متفاوت است (Cameron & Falleti, 2005: 244).

مقوله‌ی تقسیمات کشوری یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین اهداف و ابزار دولت‌ها در جهت مدیریت بهینه‌ی سرزمین و همگام با آن حفظ وحدت و یکپارچگی در سطوح محلی، ملی و منطقه‌ای به‌شمار می‌رود. به بیانی دیگر تقسیمات سیاسی، نوعی سازمان‌دهی فضایی - اداری برای تسهیل در اعمال حاکمیت دولت و همچنین انتظام نوع و نحوه‌ی رابطه دولت با ملت می‌باشد. در حقیقت سازمان‌دهی سیاسی فضا، تقسیم کشور به مناطق مختلف از طریق استقرار مرزهای قراردادی است، که بستر لازم را برای رشد متوازن و جلوگیری از رشد نامتوازن عرصه‌ی جغرافیایی کشور فراهم می‌نماید (احمدی پور، ۱۳۷۸: ۲۷). کارکرد تقسیمات کشوری که شاید مورد توجه تمام نظام‌های سیاسی باشد، عبارت است از: تأمین خدمات و امکانات برای مناطق نیازمند و تسهیل حاکمیت دولت تا پایین‌ترین سطح سیاسی. این کارکرد در سطوح مختلف در پهنه‌ی سرزمین، پیوسته به عنوان هدف در نظام برنامه‌ریزی ایران مورد توجه بوده است. چرا که شاخص‌هایی از قبیل دسترسی مناسب سکنه در واحد سیاسی به خدمات و تقویت مشارکت عمومی می‌تواند به ایجاد فضایی امن برای ساکنین نواحی و گسترش حاکمیت دولت منجر شود. از این‌رو نظام تقسیمات کشوری باید به گونه‌ای کارآمد عمل نماید که کمترین تنش و بیشترین هماهنگی و همکاری متقابل را در درون مناطق و بین مناطق همجوار به‌وجود آورد (احمدی پور و منصوریان، ۱۳۸۵: ۲).

به هر حال، اکثر کشورهای جهان بر این باور رسیده‌اند تقسیمات کشوری زمینه‌ی مدیریت آسان سرزمین را فراهم می‌سازد که در این بین نقش تقسیمات کشوری در سازماندهی سیاسی فضا در ایران مورد توجه سیاستگذاران می‌باشد. اما چهارمجال و بختیاری، تا قبل از سال ۱۳۳۲ در قالب شهرستان شهر کرد و بختیاری از شهرستان‌های اصفهان به-

شمار می‌آمد. در این سال، شهرستان شهر کرد از استان اصفهان جدا شد و به‌عنوان فرمانداری مستقل بختیاری در تقسیمات کشوری قرار گرفت. در سال ۱۳۳۷ شمسی فرمانداری مستقل بختیاری و چهارمحال به فرمانداری کل ارتقاء می‌یابد و در محدوده آن فرمانداری‌های جدید «بروجن» و نیز بخش‌های جدید شوراب و گندمان ایجاد شدند. در مصوبه سال ۱۳۵۲ هیئت وزیران، فرمانداری کل چهارمحال و بختیاری به استانداری چهارمحال و بختیاری ارتقاء یافت. بر بنیاد مطالب بیان شده و با توجه به موضوع، پژوهش حاضر به دنبال تحلیل عوامل مؤثر بر ارتقاء سطوح تقسیمات کشوری در استان چهارمحال و بختیاری می‌باشد تا بتوان با شناسایی و رتبه‌بندی شهرستان‌ها در جهت یکپارچگی و افزایش رضایت شهروندان استان، سیاستگذاران و برنامه‌ریزان را یاری رساند.

### بنیادها، مفاهیم و شالوده‌ها

#### فضا

فضا تولید می‌شود و سازمان می‌یابد (Brunet, 1996: 123). در جغرافیا نیز مفهوم فضا، پدیده حاصل از رابطه انسان و محیط و بُن‌مایه اصلی این علم شناخته می‌شود (Soja, 1990: 120). با این اوصاف، تلاش برای بازتعریف جغرافیا به مثابه علم فضایی به این واژه جایگاه می‌بخشد. بنابراین دانشوران جغرافیای انسانی و طبیعی هر دو از این واژه مرتباً استفاده می‌کنند، اما از تعریف آن عاجز مانده‌اند و برای بسیاری آن چنان متنوع به نظر می‌رسد که فاقد هر گونه صراحت سودمندی است (Kitchin & Thrift, 2009). از این‌رو فضا یکی از مفاهیمی است که بیشترین ابهام برای تبیین و مرزبندی آن وجود دارد و همین امر گاه آن را به سوی نوعی درک ناپذیری سوق می‌دهد (Jedrej, 2000: 547). به هر روی فضا در ذات خود ماهیتی پیوسته و یکپارچه دارد؛ و این ماهیت در غالب سامانه‌های منطقی، به اجزایی ناپیوسته و از هم گسسته تقلیل می‌یابد (Hillier & Hanson, 1984: 33).

#### سازماندهی

سازماندهی در لغت به معنای ساماندهی، نظم، سازمان دادن، نظام‌دهی کردن، سازمان‌دهی کردن (معین، ۱۳۸۱). در حوزه ادبیات مداخلات شهری عموماً "سازماندهی" معادل واژه "ساماندهی" در نظر گرفته می‌شود. در حالی که واژه سازماندهی به عمل سازمان دادن تعبیر می‌شود (انوری، ۱۳۸۱). اما اصطلاح «سازماندهی» نیز از مفهوم فضا دقیق‌تر نیست. از این رو باید پرسید که ماهیت سازماندهی کدام است؟ آیا موضوع عبارت است از نظم خود به خودی در طبیعت، در جامعه و در مناسبات میان این دو است؟ آیا سازماندهی فضای طبیعی از لحاظ ماهیت با سازماندهی جامعه یکی می‌باشد؟ به سخن دیگر ارائه خدمات بهینه به شهروندان و سپس اداره افراد ساکن در محدوده و مرزهای مشخص است. زیرا شهروندان می‌خواهند از خدمات موجود در درون فضایی که در آن قرار دارند به خوبی استفاده کنند. لذا در سازماندهی فضا باید (تسهیل امور و شهروندان) به عنوان رکن اصلی آن مد نظر قرار گیرد (قربانی سپهر، ۱۳۹۷: ۳۱۴).

#### تقسیمات کشوری

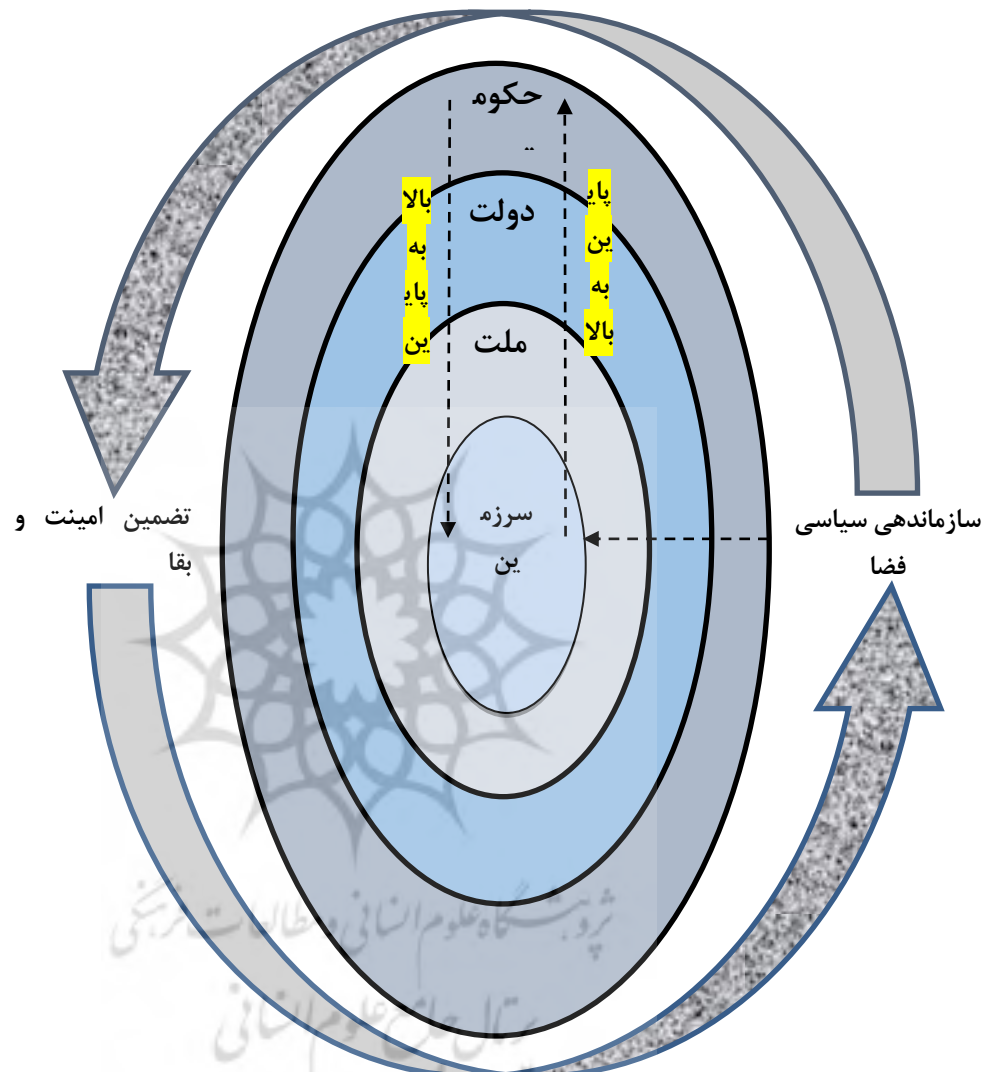
تقسیمات کشوری یکی از ابزارهای مهم حکومت‌ها برای سازماندهی سیاسی فضای کشور به شمار می‌رود (راحمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۹). در واقع تقسیمات کشوری: سازماندهی سیاسی فضا به منظور ارائه هر چه بهتر امکانات، تسهیلات و خدمات عمومی (آموزش، بهداشت، انرژی، امکانات رفاهی، امنیت و...) و اداره عمومی کشور و به‌طور کلی تسهیل اعمال حاکمیت دولت‌های می‌باشد. کارکرد تقسیمات کشوری در بُعد سیاسی به سطح‌بندی قدرت در فضای سرزمینی، در بُعد اداری به تمرکز یا عدم تمرکز در حیطه اختیارات و در بُعد جغرافیایی به نحوه تقسیم‌بندی

فضای سرزمینی بر مبنای فاکتورهای قومی، زبانی، فرهنگی، مذهبی، جمعیتی و... می‌پردازد (میرشکاران، ۱۳۸۶: ۵). تقسیمات کشوری از آن رو صورت می‌گیرد که دولت در حالی که حاکمیت خود را در دورترین نقاط کشور اعمال می‌کند، بتواند خدمات لازم را به آسانی در اختیار همگان قرار دهد. اگر این تقسیمات به‌طور کارآمد طراحی شده باشد، می‌تواند پایه‌های حاکمیت دولت را در تمام نقاط کشور نیرومند کند (احمدی‌پور، ۱۳۸۰: ۲۷۹). هدف تقسیم کشور به واحدهای همگن رشد هماهنگ، اداره قلمرو ملی و عرضه خدمات بهتر است که موجب امنیت، وحدت و مشارکت ملی می‌شود (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۸).

### سازماندهی سیاسی فضا

سازماندهی سیاسی فضا زمینه‌ها و بسترهای مناسبی برای مشارکت نهادینه و مستمر مردم فراهم نموده و در عین حال آزادی عمل فردی را در تمام فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مهیا می‌نماید (کریمی پور، ۱۳۸۱: ۲۹). سازماندهی سیاسی فضا، از اهم مسائلی است که یک کشور در حال رشد باید برای انجام برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، اجتماعی، اداره بهتر سرزمین و بهره‌برداری بیشتر به آن توجه کند. مادامی که سازماندهی صحیحی نداشته باشیم، بازده هرگونه برنامه‌ریزی در سطح ملی، منطقه‌ای، محلی ناچیز و احتمالاً مغشوش خواهد بود (رهنا و احمدی پور، ۱۳۸۲: ۳۵). سازماندهی سیاسی فضا با وجود تأثیر پذیری از نوع رژیم سیاسی، شکل حکومت و مناسبات درونی قدرت در جامعه و دولت، مقوله‌ای فنی و پیچیده است که جمعیت و پراکنش جغرافیایی آن، ثروت اقتصادی و میزان تعادل و توازن منطقه‌ای آن و تهدیدها و جهت‌های درونی و بیرونی آن، در شمار زیرساخت‌های آن بوده و هستند (کریمی پور، ۱۳۸۱: ۴). مرکزیت، مجاورت و مرزهای واحد اداری و سیاسی سه پارامتر اصلی در تقسیم‌بندی سیاسی فضا (تقسیمات کشوری) به‌شمار می‌آیند (عاملی، ۱۳۸۲: ۲). به هر حال دولت‌ها به دلیل اهمیت سازماندهی سیاسی فضا در توسعه کشورهایشان، در تقسیم فضای سرزمین خود به شکل مناسب، کوشش بسیار می‌کنند. سطح اختیارات، تقسیم سرزمین، قدرت تصمیم‌گیری و کارکرد سیاسی واحدهای تقسیماتی درون کشوری، به میزان زیادی تابع نوع دولت و نظام سیاسی سطح ملی است (احمدی پور و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶۸). یعنی اعم از این‌که دولت بسیط، فدرال، و یا ناحیه‌ای باشد، نوع سازماندهی سیاسی فضا متفاوت می‌باشد (هوشیار، ۱۳۷۹: ۱۱). در حکومت‌های متمرکز، تقسیمات مدنی (ناحیه‌بندی) توسط دولت مرکزی ایجاد می‌گردد. حکومت مرکزی بر اساس قانون اساسی یا دیگر رویه‌ها قدرت و چگونگی اداره نواحی را تعیین می‌کند. عموماً دولت مرکزی نواحی را از نظر مالی حمایت کرده و مقامات اجرایی آن‌ها را تعیین می‌کند. در برخی از نظام‌های حکومتی متمرکز حتی سطح اول تقسیمات مدنی (سازماندهی سیاسی) فاقد کارکرد فضایی و قانون‌گذاری و حداقل قدرت تصمیم‌گیری می‌باشد (احمدی پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۲). بدین ترتیب سازماندهی سیاسی فضا که سطوح محلی، ملی، بین‌المللی و جهانی را شامل می‌شود، فرآیندی است که طی آن بخشی از سطح زمین که توسط مرز محدود شده است، برای ایفای نقش‌های سیاسی سازماندهی می‌شود. مهم‌ترین اهداف انجام این فرآیند، ارائه خدمات بهینه به شهروندان و پیس اداره افراد ساکن در محدوده مرزهای سرزمینی است. در سطح ملی سازماندهی سیاسی فضا، گستراندن سازمان اداری در بعد جغرافیایی و فضایی با تقسیم‌بندی فضای کشور است که به تقسیمات کشوری تعبیر می‌شود (احمدی پور و میرزایی تبار، ۱۳۹۰: ۴۸). اما سازماندهی سیاسی فضا یکی از مهمترین و حساس‌ترین وظایف مسئولیت کشورها به شمار می‌رود. این امر به منظور مدیریت بهینه و پایدار سرزمین و تأمین امنیت و بهبود اوضاع اجتماعی اقتصادی با هدف حفظ و تداوم یکپارچگی در سطوح، محلی، ملی و منطقه‌ای انجام می‌شود (راحمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۹). از این رو نحوه

اعمال اراده سیاسی و چگونگی توزیع قدرت حکومت در سطح و فضای درون واحد سیاسی از مهم‌ترین مباحث جغرافیای سیاسی است که تحت عنوان سازمان فضایی مطرح است (قالیاف، ۱۳۸۶: ۱۳). سازماندهی بر اساس نوع و میزان اختیارات در ساختارهای بسیط از کاملاً متمرکز تا نیمه متمرکز و کاملاً غیرمتمرکز متفاوت می‌باشد. امروزه با توجه به رویکرد تمرکزگرایی، حکومت‌ها در راستای سازماندهی مطلوبی فضای خود از ابزارهایی از قبیل برناکه‌ریزی-های منطقه‌ای و شهری، طرح‌های کالبدی و اراضی و آمایش سرزمین کمک می‌گیرند تا بتوانند با نگاهی همه‌جانبه و سیستماتیک مناطق مختلف کشور را در مسیر توسعه پایدار قرار دهند (میرشکاران، ۱۳۹۲: ۸۲).



شکل ۱: فرآیند سازماندهی سیاسی فضا در راستای شکل‌گیری امنیت و بقا (مأخذ:

نگارندگان)

### نگرش سیستمی

سیستم چیزی است که انسجام و شکل خود را از تعامل اجزایش می‌گیرد. سیستم‌ها با این واقعیت تعریف می‌شوند که عناصر آن‌ها هدف مشترکی دارند و به شکل مشابهی رفتار می‌کنند، علت این رفتار مشترک آن است که آن‌ها در مسیر هدف مشترکشان حرکت می‌کنند. از این‌رو نگرش سیستمی بررسی پدیده‌ها از طریق در نظر گرفتن کل پدیده است.

در واقع می‌توان گفت که این نگرش، آمیزه‌ای جدید است از روش‌های قیاسی و استقرایی که ضمن دارا بودن محاسن هر دو، فاقد عیوب آن‌هاست. زیرا در آن، هم کلیت پدیده مورد نظر است و هم ارتباط بین اجزای تشکیل دهنده آن مورد توجه قرار می‌گیرد (زاهدی، ۱۳۹۲: ۵۱). گسترش روش سیستمی در مطالعات علمی در سطوح مختلف دانشگاهی در فضایی بین رشته‌ای اتفاق افتاد و با تجزیه و تحلیل ساختاری- کارکردی از روند مطالعه سیستم‌ها همراه شد (Fullan, 2005:38). نگرش سیستمی چارچوبی منطقی و عملی ارائه می‌دهد که با سایر نگرش‌ها متفاوت است و این تفاوت از چندبعدی بودن آن ناشی می‌شود. لذا فردی که قالب ذهنی خود را بر مبنای سیستم نگری استوار است می‌تواند به شناخت کامل‌تری از محیط خود دست یابد. نگرش سیستمی کمک می‌کند بتوان به اندازه کافی (از جنبه زمانی و مکانی) عقب ایستاد تا درک مناسبی از موضوع به دست آورده و راه‌حل‌های موثر اهرمی را طراحی کرد. در این رویکرد باید از لحاظ زمانی آنقدر به گذشته برگشت که درک حاصل از این‌که مسئله چگونه به وجود آمده است، شکل گرفته و باید آنقدر زمان آینه را دید که درک کرد با روند فعلی سیستم چگونه خواهد شد و بر این اساس بتوان اثرات تفکرات خود را بررسی کرد (مختاری، ۱۳۹۲: ۲۴). به‌طور خلاصه نگرش سیستمی بررسی پدیده‌ها از طریق کلیت و ارتباط بین اجزای تشکیل دهنده و در عین حال ارتباط اثرپذیری و اثرگذاری اجزاء با یکدیگر و با کل‌ها و ارتباط با کل‌های دیگر است. لذا از نگرش سیستمی، شناخت کامل‌تری از موضوع و مفهوم به دست می‌آید. تعیین هدف، نقطه شروع، نقطه مرکزی، برنامه حرکت، نقاط بحران و نقطه مقصد از فعالیت‌های نگرش سیستمی برای کشف واقعیت‌های موجود در شبکه هستی می‌باشد (حیدری، ۱۳۹۵: ۱۲۸۴). این دیدگاه در دوران معاصر به ویژه با کارهای اثرگذار جغرافیدانانی مانند ریچارد چورلی<sup>۱</sup>، پیترهاگت<sup>۲</sup> و دیوید هاروی<sup>۳</sup> وارد ادبیات جغرافیایی شد و زمینه شکل‌گیری تئوری‌های متعددی در علوم ناحیه‌ای را فراهم آورد (روستایی، ۱۳۷۷: ۳۹). به هر روی نظریه سیستم‌ها به عنوان نوعی روش‌شناسی علمی و نگرش به جهان می‌باشد که بر پایه به‌کارگیری رویکرد سیستمی انجام می‌گیرد (میرشکاران، ۱۳۹۲: ۱۲). از دیدگاه سیستمی تجزیه عناصر هر پدیده و تحلیل ویژگی‌های آن‌ها در یکپارچگی سیستم و بررسی روابط آن‌ها با یکدیگر و کل سیستم مورد نظر است که بر مبنای چهارگانه (۱- تصور ارگانیک ۲- کل‌نگری ۳- مدل‌سازی ۴- بهبود شناخت) استوار است (رضائیان، ۱۳۸۵: ۱۱).

### پیشینه پژوهش

با مطالعه روند تکامل علوم، متوجه می‌شویم که این روند مرحله به مرحله صورت گرفته و کارهای انجام شده در گذشته، در حقیقت اساس و زیر بنای تحقیقات جدید بوده‌اند. بنابراین، یکی از خصیصه‌های پژوهش علمی توجه به کارهای پیشینان است. این کار سبب می‌شود که پژوهشگر از دوباره کاری در تحقیق پرهیز نماید و به جای اتلاف وقت به تکمیل یافته‌های گذشتگان پردازد. مزیت دیگر اطلاع از کارهای صورت گرفته مربوط به موضوع تحقیق این است که پژوهشگر می‌تواند با مراجعه به آن‌ها اطلاعات خود را بالا ببرد و با دیدی وسیع به موضوع مورد تحقیق بنگرد. بر این اساس، در پژوهش حاضر سعی شده است تا منابع و مآخذی که دارای ارتباط تنگاتنگ با موضوع مقاله- اند، به‌طور اجمالی بررسی و از مطالب آن‌ها به نحو مطلوب استفاده شود. بررسی منابع و تحقیقات انجام گرفته مبین این است که تحقیقات خیلی کمی صورت گرفته است. به هر روی برخی از منابع و تحقیقات انجام شده‌ی مرتبط با این زمینه عبارتند از:

1. R. Chorely
2. P. Hagget
3. D. Harvey

-بلوچی و لطفی (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نظام تقسیمات کشوری در ایران: مطالعه موردی استان سمنان در راستای ارائه یک مدل علمی بر مبنای متغیرهای جغرافیایی» بیان می‌کنند، نظام تقسیمات کشوری ایران یکی از مهمترین متغیرهای تأثیرگذار بر اقتصاد و سیاست و نیز توسعه و پیشرفت منطقه‌ای و ملی کشور به‌شمار می‌رود. از این‌رو معیارهای مختلفی مبنای این تقسیم‌بندی قرار گرفته است که از جمله می‌توان به فرهنگ، تاریخ، جغرافیا و تصمیمات سیاسی و نیز مصلحت اداره کشور اشاره کرد.

-اطاعت و نیکزاد (۱۳۹۵)، در نتیجه مقاله‌ای با عنوان «تأثیر تقسیم سیاسی فضا بر توسعه منطقه‌ای (مطالعه موردی: استان‌های سواحل جنوبی ایران)، بیان می‌کنند که بهتر است قسمت‌هایی از نواحی جنوب شرقی بخش مرکزی شهرستان بهبهان از استان خوزستان و همچنین قسمتی از بخش زیدون از توابع شهرستان بهبهان و نیز ناحیه جنوب شرقی بخش مرکزی شهرستان همدیجان، به استان کهگیلویه و بویراحمد ملحق شوند.

-شکور و همکاران (۱۳۹۳)، در نتیجه مقاله‌ای با عنوان «ضرورت‌ها و دلایل تقسیمات استانی در ایران با رویکرد منطقه‌ای (مطالعه موردی: استان فارس)، بیان می‌کنند مشکلاتی مانند وسعت زیاد استان فارس، گسترش افقی استان فارس، نامناسب بودن شاخص‌های توسعه در سطح شهرستان‌های استان فارس، تعداد زیاد شهرستان، نامناسب بودن وضعیت راه‌های ارتباطی و... اشاره نمود که این مسائل زمینه تقسیم استان فارس را ضروری نموده است. لذا با انتخاب شهر جهرم به دلیل دارا بودن شرایط مناسب به عنوان مرکزیت سیاسی-اداری دوم در این استان، زمینه انجام تقسیم استان فارس هموارتر خواهد شد.

-احمدی پور و همکاران (۱۳۸۸)، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل عوامل مؤثر بر ارتقاء سطوح تقسیمات کشوری مطالعه موردی: شهرستان‌های استان فارس» بیان می‌کنند که توسعه منطقه‌ای و ملی یکی از هدف‌های اساسی تقسیمات سیاسی فضاست، در صورت وجود ظرفیت‌های قانونی، دستیابی به توسعه منطقه‌ای از طریق تقسیمات سیاسی بهینه امکان‌پذیر خواهد بود. از این‌رو، در استان فارس با توجه به فقدان ظرفیت مناطق برای تقسیم به فضاهای جدید و موزاییکی شدن هر چه بیشتر نواحی، ادامه‌ی روند فعلی تقسیمات و ارتقاء سطوح منجر به از بین رفتن روند توسعه در سطح استان و همچنین در سطح ملی خواهد شد. با توجه به رقابت‌های موجود در این مناطق این استان و ناپایداری مرزهای تقسیمات کشوری آن، باید این روند جهت جلوگیری از تخریب زیربنای توسعه مهار شود.

اما تفاوت پژوهش حاضر با پیشینه بیان شده آن است که در این تحقیق عوامل مؤثر بر ارتقاء سطوح تقسیمات کشوری به‌طور کامل در شهرهای استان چهارمحال و بختیار بررسی شده است و علل و زمینه‌های آن نیز نام برده شده است.

#### روش تحقیق

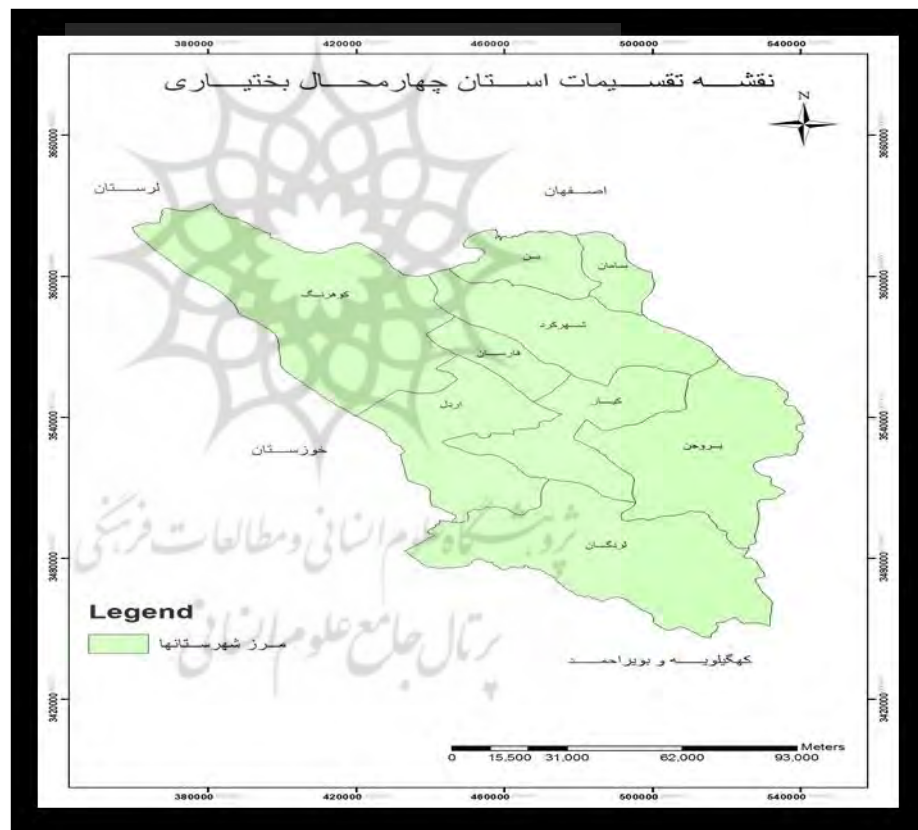
پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا، پیمایشی است. روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق روش کتابخانه‌ای اینترنتی و میدانی است و از لحاظ چگونگی پردازش و تفسیر یافته‌ها و متناسب با راهبرد کیفی، از روش پیمایش «توصیفی-تحلیلی» بهره گرفته شده است. همچنین تحقیق حاضر وضع موجود استان چهارمحال و بختیاری را تحلیل می‌کند و به توصیف نظام‌مند آن می‌پردازد. بر این بنیاد در این تحقیق سعی شده است علاوه بر تصویرسازی درست از سازماندهی سیاسی فضا در ایران به تبیین اثرگذاری آن بر روی چهارمحال بختیاری تکیه شود. لازم به ذکر است که در این تحقیق برای گردآوری و فیش برداری آن از اطلاعات کتابخانه‌ای و اینترنتی و داده‌های سازمان تقسیمات کشوری استفاده شده است. همچنین پرسش و فرضیه پژوهش به قرار زیر تنظیم شده است.

چه عواملی بر ارتقاء سطوح تقسیمات کشوری در شهرهای استان چهارمحال و بختیاری مؤثر بوده است؟ با توجه به

سؤال مطرح شده، فرضیه‌ی زیر مطرح می‌شود: به نظر می‌رسد که عواملی نظیر محرومیت و توسعه نیافتن مناطق استان، موقعیت جغرافیایی و وضعیت طبیعی استان، دور افتادگی و دسترسی نامناسب روستائیان به مراکز خدماتی در ارتقاء سطوح تقسیمات کشوری در شهرهای استان چهارمحال و بختیاری مؤثر بوده است.

#### محیط‌شناسی تحقیق

در ایران از بُعد مساحت، استان سیستان و بلوچستان با (۱۸۱۷۸۵ کیلومتر مربع) در رده‌ی اول قرار دارد و در رده‌های دوم تا چهارم به ترتیب متعلق به استان‌های کرمان (۱۸۰۷۲۸ کیلومتر مربع)، یزد (۱۲۹۲۸۵ کیلومتر مربع) و خراسان رضوی (۱۲۸۹۴۹ کیلومتر مربع) می‌باشد. استان چهارمحال و بختیاری نیز با (۱۶۵۳۳ کیلومتر مربع)، بیست و ششمین استان کشور از نظر مساحت می‌باشد و ادرصد از مساحت کل کشور را به خود اختصاص داده است. استان چهارمحال و بختیاری، منطقه‌ای محصور میان اصفهان، لرستان و خوزستان است که در برهه‌هایی از تاریخ مدتی دراز حکومت‌های صفوی، افشاری، زندی و قاجاری را به خود مشغول کرده است. دو منطقه بختیاری (سکونت گاه بختیاری‌ها) و چهارمحال (مرکب از چهار ناحیه) شکل‌دهنده‌ی استان کنونی چهار محال و بختیاری است (آهنجیده، ۱۳۷۸:۴). استان چهارمحال و بختیاری در غرب کشور، از شمال و شرق به استان اصفهان، از غرب به استان خوزستان، از شمال غربی به استان لرستان و از جنوب به استان کهگیلویه و بویر احمد محدود شده است.



شکل ۲: موقعیت شهرستان‌های استان چهارمحال و بختیاری. (مأخذ: نگارنگان، ۱۳۹۸)

۱. آمار و ارقام مربوط به مساحت کشور از مرکز آمار گرفته شده است.



## یافته‌های تحقیق

## سیر تقسیمات کشوری در استان چهارمحال و بختیاری

در آبان ماه ۱۳۱۶، استان چهارمحال و بختیاری در محدوده‌ی استان شمال قرار داشت. اما در دی ماه همان سال با اصلاح قانون تقسیمات کشوری، استان چهارمحال و بختیاری در محدوده‌ی استان دهم قرار گرفت. استان دهم از ۲ شهرستان و ۲۱ بخش تشکیل شده بود.

در تاریخ ۱۳۲۱/۱۲/۳ شهرکرد به عنوان هسته‌ی اصلی استان چهارمحال و بختیاری فعلی، در کنار دو بخش اردل و لردگان که قبلاً هر سه جزء بخش‌های شهرستان اصفهان بودند، به شهرستان مستقل در تابعیت استان دهم تبدیل شد. براساس اطلاعات مندرج در فرهنگ جغرافیایی ایران، در سال ۱۳۳۲ شهرستان شهرکرد شامل چهار بخش (اردل، بروجن، حومه و لردگان) بود و در مجموع از ۱۵ دهستان و ۴۵۳ روستا تشکیل می‌شد. این شهرستان در تاریخ ۱۳۳۲/۱۱/۲۷ به فرمانداری مستقل چهارمحال و بختیاری تبدیل شد. فرمانداری مستقل چهارمحال و بختیاری در تاریخ ۱۳۳۷/۰۶/۲۳ به همراه چند فرمانداری دیگر (ایذه، بروجن) به فرمانداری کل چهارمحال و بختیاری تبدیل شد. در سال ۱۳۴۱ شهرستان ایذه از فرمانداری کل چهارمحال و بختیاری جدا و به استان خوزستان پیوست. در سال ۱۳۴۵ طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن، فرمانداری کل چهارمحال و بختیاری شامل ۲ شهرستان (شهرکرد، بروجن)، ۸ بخش، ۱۶ دهستان و ۱۱۹۸ روستا بود. نهایتاً در تاریخ ۱۳۵۲/۰۷/۲۵ فرمانداری کل چهارمحال و بختیاری به استانداری تبدیل گردید و استان چهارمحال و بختیاری ایجاد شد (سرگذشت تقسیمات کشوری ایران، ۱۳۸۸: ۲۴۳). بدین ترتیب براساس آخرین تقسیمات کشوری، استان چهارمحال و بختیاری دارای ۹ شهرستان، ۳۶ بخش، ۵۰ دهستان و ۴۰ شهر می‌باشد. بنابراین، در دهه‌های گذشته، در محدوده استان تغییراتی در سطوح تقسیماتی رخ داده است.

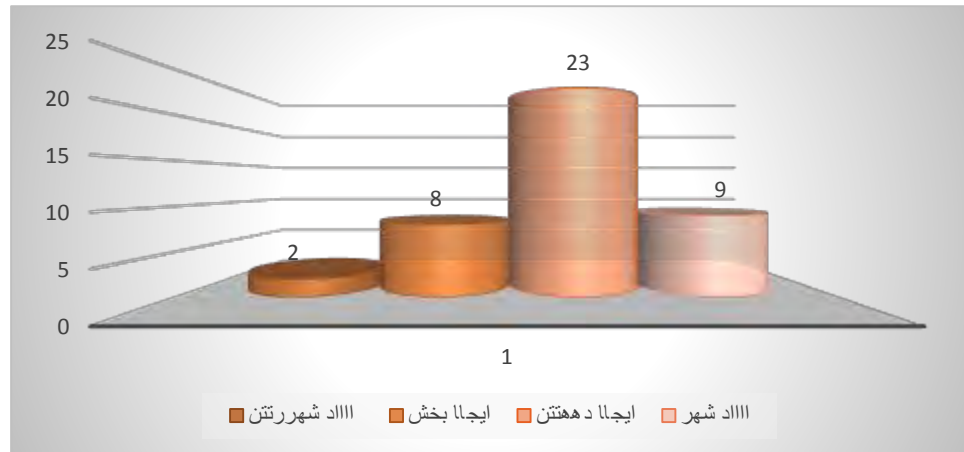
جدول ۱: موضوع و تعداد ارتقاء واحدهای تقسیماتی در استان چهارمحال و بختیاری

قبل از انقلاب	
موضوع ارتقاء سطوح تقسیماتی	تعداد ارتقاء سطوح
۱- ایجاد شهرستان	۲
۲- ایجاد بخش	۸
۳- ایجاد دهستان	۲۳
۴- ایجاد شهر	۹
جمع	۴۲

بعد از انقلاب	
موضوع ارتقاء سطوح تقسیماتی	تعداد ارتقاء سطوح
۱- ایجاد شهرستان	۷
۲- ایجاد بخش	۲۸
۳- ایجاد دهستان	۲۷
۴- ایجاد شهر	۳۱
جمع	۹۳

مأخذ: یافته‌های نگارندگان، ۱۳۹۸

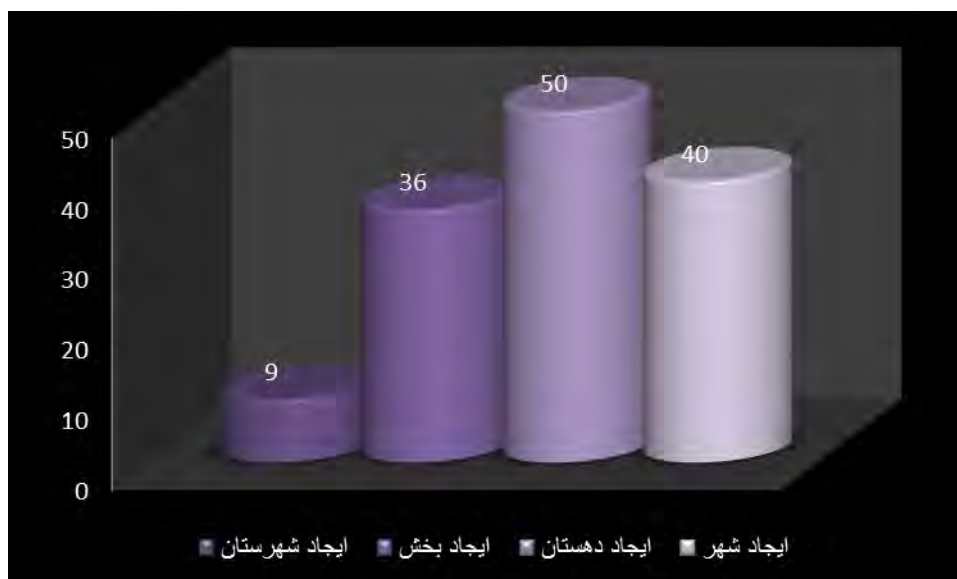
با توجه به جدول بالا، مشخص می شود که قبل از انقلاب ۴۲ مورد ارتقاء، بعد از انقلاب ۹۳ مورد ارتقاء و در مجموع ۱۳۵ مورد ارتقاء سطوح در استان چهارمحال و بختیاری صورت گرفته است. در استان چهارمحال و بختیاری بیشترین ارتقاء سطوح مربوط به ایجاد شهر (موضوع مورد بحث مقاله) با ۳۱ مورد است که بعد از انقلاب داده است. کمترین ارتقاء سطوح مربوط به ایجاد شهرستان با ۲ مورد می باشد که قبل از انقلاب صورت گرفته است.



شکل ۳: موضوع و تعداد ارتقاء سطوح تقسیماتی رخ داده در استان (قبل از انقلاب) مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸



شکل ۴: موضوع و تعداد ارتقاء سطوح تقسیماتی رخ داده در استان (بعد از انقلاب) مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸



شکل ۵: موضوع و تعداد ارتقاء سطوح تقسیماتی رخ داده در استان (قبل و بعد انقلاب) (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸)

در مجموع در استان چهارمحال و بختیاری طی سال‌های ۱۳۱۶ تا ۱۳۹۲، ۱۳۵ مورد ارتقاء سطوح تقسیماتی صورت گرفته است. آنچه که در این مقاله مورد بحث است، ۴۰ مورد شهر ایجاد شده در استان است. این تغییرات، بیشتر در سال‌های بعد از انقلاب به ویژه بعد از تصویب قانون تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۲ صورت گرفته است. در همان سال (۱۳۶۲) سه شهر (فردان، بلداجی، اردل) ایجاد شدند. بعد از تصویب سومین قانون تقسیمات کشوری تا زمان حاضر (۱۳۶۲ تا ۱۳۹۲)، ۳۱ شهر در استان چهارمحال و بختیاری ایجاد شد که بیش از (۳/۴) شهرها را شامل می‌شود. از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲، ۱۵ شهر در استان به وجود آمده که از این تعداد، ۴ مورد از آنها، سردشت (شهرستان لردگان)، صمصامی (شهرستان کوهرنگ)، هارونی (شهرستان شهرکرد) و بافت (شهرستان کوهرنگ)، بعد از انتخابات ریاست جمهوری دوره یازدهم در تاریخ ۱۳۹۲/۰۴/۱۱ ایجاد شده‌اند. به‌طور کلی بیشترین شهر ایجاد شده، مربوط به شهرستان شهرکرد با ۹ مورد صورت گرفته است. این شهرها عبارتند از: (شهرکرد، فرخ شهر، هفشجان، سورشجان، کیان، طاقانک، نافچ، سودجان، هارونی). «سه شهر شهرکرد، فرخ شهر، هفشجان» قبل از انقلاب، «شش شهر سورشجان، کیان، طاقانک، نافچ، سودجان، هارونی» بعد از انقلاب به وجود آمده‌اند. کمترین شهر ایجاد شده مربوط به شهرستان سامان است که فقط یک شهر (سامان) را دارد. این شهرستان تا قبل از سال ۱۳۹۲/۱۰/۱۲ به عنوان یکی از بخش‌های شهرستان شهرکرد بود، اما از این تاریخ به بعد از شهرستان شهرکرد جدا و به عنوان شهرستان سامان در تقسیمات سیاسی استان قرار گرفته است. جداول زیر تعداد شهرهای هر شهرستان را به تفکیک، براساس تاریخ تأسیس آنها نشان می‌دهد:

جدول ۲: شهرهای شهرستان شهرکرد براساس تاریخ تأسیس آنها

نام شهرستان	نام شهر	تاریخ تأسیس
شهرکرد	شهرکرد	۱۳۱۰/۰۰/۰۰
شهرکرد	فرخ شهر	۱۳۳۶/۰۰/۰۰
شهرکرد	هفشجان	۱۳۵۵/۰۰/۰۰

۱. آمار و ارقام مربوط به شهرهای استان و تاریخ تأسیس آنها از وزارت کشور (دفتر تقسیمات کشوری) اخذ شده است.

۱۳۶۸/۱۰/۱۷	سورشجان	شهرکرد
۱۳۷۰/۱۲/۱۲	کیان	شهرکرد
۱۳۷۸/۰۱/۱۱	طاقانک	شهرکرد
۱۳۷۹/۰۶/۲۲	نافج	شهرکرد
۱۳۸۲/۰۵/۲۲	سودجان	شهرکرد
۱۳۹۲/۰۴/۱۱	هارونی	شهرکرد

مأخذ: یافته‌های نگارندگان، ۱۳۹۸

جدول ۳: شهرهای شهرستان بروجن براساس تاریخ تاسیس آنها

نام شهرستان	نام شهر	تاریخ تاسیس
بروجن	بروجن	۱۳۱۲/۰۰/۰۰
بروجن	فراذنبه	۱۳۶۲/۰۰/۰۰
بروجن	بلداجی	۱۳۶۲/۰۰/۰۰
بروجن	گندمان	۱۳۶۹/۱۲/۱۴
بروجن	سفید دشت	۱۳۷۶/۰۳/۲۷
بروجن	نقته	۱۳۸۶/۰۴/۱۱

مأخذ: یافته‌های نگارندگان، ۱۳۹۸

جدول ۴: شهرهای شهرستان فارسان براساس تاریخ تاسیس آنها

نام شهرستان	نام شهر	تاریخ تاسیس
فارسان	فارسان	۱۳۴۷/۰۰/۰۰
فارسان	جونقان	۱۳۵۵/۰۰/۰۰
فارسان	بابا حیدر	۱۳۷۰/۱۲/۱۲
فارسان	پردنجان	۱۳۸۹/۱۲/۲۱
فارسان	گوجان	۱۳۹۱/۱۰/۱۷
فارسان	چلیچه	۱۳۹۱/۱۰/۱۷

مأخذ: یافته‌های نگارندگان، ۱۳۹۸

جدول ۵: شهرهای شهرستان لردگان براساس تاریخ تاسیس آنها

نام شهرستان	نام شهر	تاریخ تاسیس
لردگان	لردگان	۱۳۴۰/۰۰/۰۰
لردگان	مال خلیفه	۱۳۷۹/۰۳/۱۲
لردگان	آلونی	۱۳۷۹/۰۳/۱۲
لردگان	منج	۱۳۸۹/۱۲/۲۱
لردگان	سردشت	۱۳۹۲/۰۴/۱۱

مأخذ: یافته‌های نگارندگان، ۱۳۹۸

جدول ۶: شهرهای شهرستان کیار براساس تاریخ تاسیس آنها

نام شهرستان	نام شهر	تاریخ تاسیس
کیار	شلمزار	۱۳۶۹/۱۰/۱۸
کیار	ناغان	۱۳۷۳/۰۳/۱۱
کیار	گهرو	۱۳۷۸/۰۲/۰۹
کیار	دستاء	۱۳۸۹/۱۲/۲۱

مأخذ: یافته‌های نگارندگان، ۱۳۹۸

جدول ۷: شهرهای شهرستان اردل براساس تاریخ تاسیس آنها

نام شهرستان	نام شهر	تاریخ تاسیس
اردل	اردل	۱۳۶۲/۰۰/۰۰
اردل	سرخون	۱۳۹۱/۱۰/۱۷
اردل	دشتک	۱۳۹۱/۱۰/۱۷
اردل	کاج	۱۳۹۱/۱۰/۱۷

مأخذ: یافته‌های نگارندگان، ۱۳۹۸

جدول ۸: شهرهای شهرستان کوهرنگ براساس تاریخ تاسیس آنها

نام شهرستان	نام شهر	تاریخ تاسیس
کوهرنگ	چلگرد	۱۳۷۸/۰۵/۰۸
کوهرنگ	صمصامی	۱۳۹۲/۰۴/۱۱
کوهرنگ	بازفت	۱۳۹۲/۰۴/۱۱

مأخذ: یافته‌های نگارندگان، ۱۳۹۸

جدول ۹: شهرهای شهرستان بن براساس تاریخ تاسیس آنها

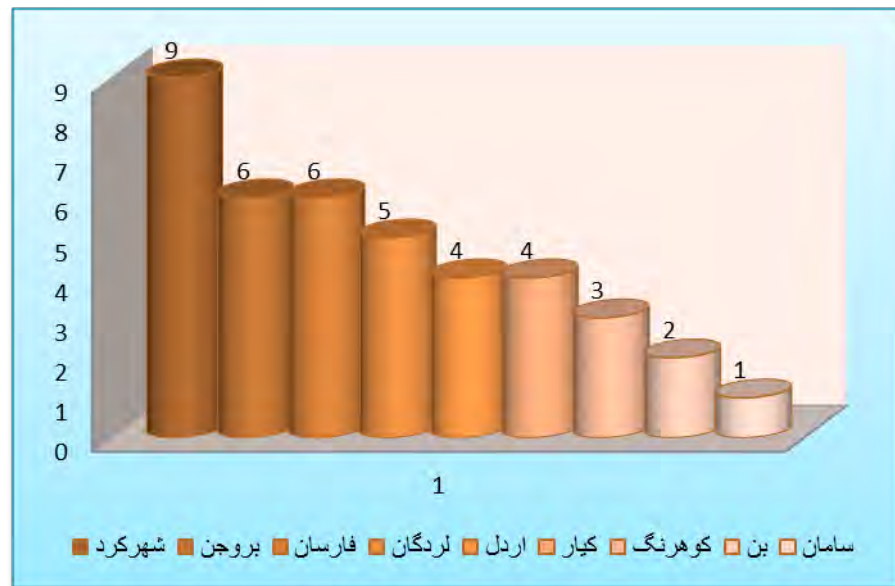
نام شهرستان	نام شهر	تاریخ تاسیس
بن	بن	۱۳۵۵/۰۰/۰۰
بن	وردنجان	۱۳۸۹/۱۲/۲۱

مأخذ: یافته‌های نگارندگان، ۱۳۹۸

جدول ۱۰: شهرهای شهرستان سامان براساس تاریخ تاسیس آنها

نام شهرستان	نام شهر	تاریخ تاسیس
سامان	سامان	۱۳۴۷/۰۰/۰۰

مأخذ: یافته‌های نگارندگان، ۱۳۹۸



شکل ۶: شهرستان های استان چهارمحال و بختیاری براساس تعداد شهر آنها (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸)

#### عوامل مؤثر بر ارتقاء سطوح تقسیمات کشوری شهرهای استان چهارمحال و بختیاری

##### الف) محرومیت و توسعه نیافتگی

توسعه یافتگی و کاهش نابرابری میان سکونتگاه‌ها و مناطق مختلف یک کشور از مهمترین دغدغه‌های دولت‌ها و مجامع علمی بوده و همواره برای تحقق آن اندیشه و راهبردهایی طراحی نموده‌اند. به طوری که در سال‌های اخیر تأکید بر «نابرابری‌های ناحیه‌ای و سازمان فضایی آن» از اولویت‌های اصلی تحقیقات جغرافیایی در اغلب کشورها بوده است (شکویی، ۱۳۸۵: ۲۷۶؛ برگرفته از مرصومی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۴۶). لذا، مسأله نابرابری در بسیاری از کشورها چالشی اساسی در مسیر توسعه می‌باشد، به ویژه برای آن دسته از کشورها که قلمرو حاکمیت آنها مناطق جغرافیایی وسیعی را شامل می‌شود. این نابرابری‌ها، تهدیدی جدی برای حصول توسعه متعادل و متوازن مناطق است و دستیابی به وحدت یکپارچگی ملی را دشوار می‌کند (لطفی، ۱۳۹۵: ۷۵). از این رو چگونگی سازماندهی فضا نقش مهمی در توسعه کشورها دارد؛ زیرا با تقسیم سرزمین به واحدهای کوچکتر، تصمیمات مهمی در مورد چگونگی رشد ناحیه با توجه به این تقسیمات اتخاذ می‌شود. توسعه و ارتقای سطح کارکردهای یک واحد تقسیماتی، تا اندازه زیادی به نحوه سازماندهی سیاسی فضا و آرایش بهینه قلمرو سرزمینی کشور بستگی دارد. بر همین اساس حکومت‌ها در ادوار تاریخی گذشته و در حال حاضر، به تقسیم فضای سرزمین خود پرداخته و سازمان مناسبی را برای اداره امور آن تدارک دیده‌اند (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۲). لذا باید بیان نمود که، سازماندهی فضا رابطه تنگاتنگی با الگوهای رشد و توسعه اقتصادی از یک سو و الگوهای کالبدی فضایی از سوی دیگر دارد؛ این سازماندهی با دو هدف بهینه کردن مکان‌ها و بهینه کردن کارکردها و فعالیت‌ها صورت می‌پذیرد. زمانی نظام ناحیه‌بندی کشورها، به صورت شبکه-ای از نواحی مکمل هم، شکل می‌یابد که برنامه‌ریزی‌های کلان کشوری در یک کل منسجم تهیه شوند. تنها در این صورت است که شرایط سرمایه‌گذاری‌های دولتی و خصوصی، تخصص‌یابی و کارکردهای مشخص نواحی و توسعه یکپارچه نواحی کشور مد نظر می‌باشد (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۲). از این رو برنامه‌ریزی در راستای توسعه از بستر تقسیمات کشوری صورت می‌گیرد. نظام تقسیمات سیاسی ظرف و چارچوب ساختار تشکیلات اداری کشور را تعیین می‌کند. کارآمدی نظام تقسیمات کشوری زمانی محقق خواهد شد که بتواند بستر مناسبی برای توسعه پایدار

فراهم نماید و به این منظور توجه به ساختارهای توسعه، به ویژه در ابعاد اقتصادی و اجتماعی مورد عنایت ویژه است. کوتاه شدن ساختار تشکیلات اداری و قطع ارتباط سطوح تقسیمات کشوری با سطح تخصیص منابع و امکانات می‌تواند از جمله اقدامات اساسی در این مسیر باشد (لطفی، ۱۳۹۴: ۷۰). به بیانی دیگر الگوی سازماندهی سیاسی فضا به عنوان بستر و زیربنای ساختار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جغرافیایی کشور شناخته می‌شود و ارتباط این الگو با نابسامانی‌ها و نابهنجاری‌های فضای جغرافیایی، چالش‌ها و مسائلی چون فقر، فقدان عدالت اجتماعی، توزیع نامتناسب جمعیت و منابع در فضا، مسائل امنیت حاشیه‌ای و... مواجه می‌باشد. عمده این چالش‌ها ناشی از سازمان سیاسی نامتناسب و ناهمگون فضا است. اداره سرزمین و چگونگی آن باید بر اساس مؤلفه‌های کارآمدی باشد که بتواند به وحدت ملی و حفظ تمامیت ارضی کشور منجر شود. به همین سبب حکومت‌ها بری اداره قلمرو سرزمینی خود ناگزیرند که کشور را به واحدهای اداری کوچکتر تقسیم نمایند؛ تا بتوانند در زمینه اعمال حاکمیت و ارائه خدمات و ایجاد سرمایه اجتماعی مؤثر به ایفای نقش بپردازند. تقسیم بندی و سازماندهی داخلی یک سرزمین از اهم امور حکومت‌ها می‌باشد و هر گونه تغییر و تحول در ساختار و فرایندهای شکل‌دهنده آن باعث مش‌شود تا در جزئی‌ترین سطح از زندگی شهروندان تغییر و تحول ایجاد گردد. از آنجا که سرزمین و روابط موجود در آن با توجه به فرایندهای تاریخی در گذر زمان به عمل متقابل در برابر یکدیگر سوق داده می‌شود و رابطه‌ای ارگانیک برقرار می‌گردد، نیاز است تا در امر سازماندهی فضا به این مقوله توجه کافی شود تا باعث انجام تغییرات در سطوح مختلف سرزمینی و موجبات عدم تعادل در ساختارهای اکولوژیکی و به تبع آن اجتماعی نگردد (میرشکاران، ۱۳۹۲: ۷۰-۶۹).

بدین ترتیب کشور ایران از جمله کشورهایی است که بر اساس سیستم متمرکز اداره می‌شود. در این نظام مؤلفه‌های سیاسی- اقتصادی و اجتماعی بیشترین نقش را در نظام برنامه‌ریزی فضایی و توسعه کشور ایفا می‌کنند و چون این مؤلفه‌ها در نقاط مختلف کشور به صورت هماهنگ ظاهر نمی‌شوند و لذا منابع و امکانات مورد نیاز مردم هم به‌طور یکسان در تمام نقاط جغرافیایی توزیع نمی‌شوند، در نتیجه نابرابری‌های منطقه‌ای افزایش یافته، باعث شکل‌گیری قطب‌های رشد و توسعه در تعدادی از مراکز می‌شود (اسدزاده، ۱۳۹۲: ۱). تحقیقات بسیار زیادی در خصوص ارزیابی توسعه استان‌ها و بررسی نابرابری‌های منطقه‌ای در ایران انجام شده است که هر کدام متغیرهای مختلف و متنوعی را مدنظر قرار داده‌اند. در سال‌های اخیر از شاخص‌های توسعه مورد استفاده توسط کمیسیون توسعه پایدار سازمان ملل متحد استفاده می‌کنند. بر این اساس، نگاهی جغرافیایی به نقش سطح‌بندی توسعه استان‌ها نشان از تفاوت سطح توسعه بین مرکز و پیرامون، شمال و جنوب کشور دارد به‌گونه‌ای که استان‌های مرکزی از استان‌های حاشیه‌ای و استان‌های شمالی از استان‌های جنوبی توسعه یافته‌تر هستند. اما تفاوت محسوس بین استان‌های حاشیه‌ای با استان‌های داخلی کشور می‌باشد که نشان از نابرابری‌های شدید منطقه‌ای دارد (میرشکاران، ۱۳۹۲: ۱۸۵).

سازماندهی درست و بر مبنای شناخت دقیق فضا، با فراهم‌سازی شرایط لازم برای مشارکت مردم در سرنوشت خود و بارورسازی ظرفیت‌های درون مکانی، زمینه‌ساز توسعه محلی و منطقه‌ای و ملی است (غلامی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۰). به هر ترتیب آنچه‌ی که در آسیب‌شناسی سازمان فضایی در کشور ایران مشاهده می‌شود آن است که این شیوه سازمان فضایی زمینه توسعه چند استان که دارای قدرت بیشتر و منابع افزون‌تری هستند را فراهم آورده است به عبارت دیگر هر اندازه که این استان‌ها توسعه یافته‌تر شدند به همان اندازه سایر استان‌های محروم و بدون قدرت از توسعه باز ماندند. بدین ترتیب می‌توان بیان نمود که برنامه‌های درست و جامعی در سازمان فضایی کشور در دهه‌های اخیر ارائه نشده است زیرا که زمینه نابسامانی و عدم تعادل توسعه را در کشور به ویژه در دهه اخیر فراهم آورده است. همچنین می‌توان ذکر نمود که استان‌هایی در کشور وجود دارند که منابع نفتی و گازی کشور در آن است اما این استان‌ها جزء توسعه نیافته‌ترین استان‌های کشور به‌شمار می‌رود و اگر برای اندک زمانی به آن استان‌ها مراجعه نماییم، فکر می‌کنیم که به دورافتاده‌ترین مناطق جهان در آفریقا سفر نموده‌ایم و این نشان از آن دارد که شیوه برنامه‌ریزی در جهت توسعه

متوازن و متعادل کشور در راستای توسعه همه جانبه و برقراری عدالت فضایی و برابری در ایران وجود نداشته و نیازمند است که به کلی برنامه‌های سازمان فضایی در راستای توسعه کشور تغییر و کامل گردد تا تمام استان‌های کشور بتوانند از این منابع و فرصت‌های لازم جهت ارتقا و توسعه روزافزون خود استفاده کنند.

در مجموع آنکه یکی از ویژگی‌های مهم استان چهارمحال و بختیاری، شکاف زیاد میان شهرستان‌های این استان است به گونه‌ای که بعضی از شهرستان‌های استان در رفاه نسبی و بعضی در فقر و محرومیت به سر می‌برند. در واقع یکی از شاخصه‌های اصلی فقر و محرومیت منطقه، پایین بودن سطح درآمد‌ها و پایین بودن سطح بهداشت است که در واقع هدف از ایجاد طرح برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی، رفاه انسان در کلیه زمینه‌ها است. در استان چهارمحال و بختیاری، ارتقای روستای منج و تبدیل آن به شهر منج که در فاصله‌ی ۳۰ کیلومتری شهرستان لردگان و ۱۵۰ کیلومتر مرکز استان (شهرکرد) قرار دارد در همین راستا صورت گرفته است.

#### ب) موقعیت جغرافیایی و وضعیت طبیعی استان

چگونگی سازماندهی سیاسی فضای درون کشوری، در مرحله نخست از ویژگی‌های جغرافیایی آن تأثیر می‌پذیرد. بررسی فضاهای جغرافیایی کشورها ویژگی‌هایی چون تکثر، تنوع و تعدد کارکردهای محیطی و عملکردهای گروه‌های انسانی را نمایان می‌سازد. از این رو جغرافیا شاخص اصلی است که در سازماندهی مورد استفاده قرار می‌گیرد و دیگر شاخص‌ها بر روی این بستر قرار می‌گیرند که مهم‌ترین آنها اقلیم، وسعت و ناهمواری می‌باشد. وضعیت و ویژگی‌های طبیعی، تیپوگرافیک و اقلیمی مناطق باعث شکل‌گیری نواحی و فضاهای ویژه جغرافیایی می‌شود. تفاوت‌های جغرافیایی سبب تنوع در تراکم و پراکنش جمعیت در سرزمین می‌باشد. این توزیع و پراکنش، مجاورت و تراکم سبب‌ساز تجمع گروه‌های جمعیتی می‌شود. جریان روابط و شبکه‌های موجود میان این نقاط با توجه به تفاوت‌های ناهمواری‌ها و اقلیم زمینه تفاوت در اندازه نقاط جمعیتی شده و مکان‌های بزرگتر با امکانات بیشتر و جاذبه‌های جغرافیایی را به حوزه نفوذ نقاط کوچکتر تبدیل می‌نماید و سمت و مسیر جریان‌ها را تعیین می‌کند. علاوه بر این، شاخص‌های دیگری از قبیل شعاع عملکرد خدماتی، شکل هندسی و... نیز مطرح می‌باشند که در سازماندهی فضای مورد توجه قرار می‌گیرند (میرشکاران، ۱۳۹۲: ۷۶). اما یکی از عواملی که تأثیر قابل توجهی بر نحوه تقسیم‌بندی فضای سرزمین در دوره تاریخی داشته، «ویژگی‌های طبیعی کشور و جبر طبیعی محیطی» بوده است. وضع ناهمواری‌ها و اقلیم به عنوان دو عامل مهم در شرایط طبیعی ایران نقش عمده‌ای در تعیین خصوصیات متنوع محیط طبیعی ایران داشته است (اهلرز، ۱۳۶۵: ۳۴).

سرزمین ایران از نظر موقعیت دسترسی و ارتباطی دارای وضعیت بسیار مطلوبی است. قرارگیری در مرکز دو حوزه بزرگ ذخایر فسیلی جهان (خلیج فارس و دریای خزر)، قرارگیری در مسیر ارتباط قاره‌های اروپا، آسیا و آفریقا، دالان ارتباطی کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان برای دسترسی به آب‌های آزاد و دارا بودن بیش از دو هزار کیلومتر مرز آب‌های آزاد و همجواری با استراتژیک‌ترین تنگه جهان (هرمز)، موقعیت جغرافیایی منحصر به فردی به ایران داده است. این موقعیت منحصر به فرد که می‌تواند به عنوان یک مزیت ژئوپلیتیکی در تولید قدرت نقش ایفا کند؛ در دو قرن اخیر به دلیل ضعف نهاد حکومت در ایران، زمینه را برای رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های فرامنطقه‌ای و جهانی بر سر فضای ایران فراهم کرده و به صورت منبع تهدید علیه منافع و استقلال ایران نقش ایفا کرده است (حافظنیا و همکاران، ۱۳۸۲: ۵۰).

در واقع انواع عوارض طبیعی و جغرافیایی موجود در فلات ایران باعث شکل‌گیری واحدها و نواحی متعدد و متفاوتی دهش است که خود بستری مناسب برای شکل‌دهی به واحدهای سیاسی و اداری به حساب می‌آمده است. عامل طبیعی در دوره تاریخی در تقسیم‌بندی فضای سرزمینی چنان اهمیتی داشته است که در دوره اسلامی ایران را از نظر



طبیعی به هشت اقلیم عجمی چون خاوران، دیلم، رحاب، کرمان، جبال، خوزستان، فارس و خوارزم تقسیم کرده بودند (بیگ محمدی، ۱۳۷۶:۱۱۵). بنابراین، در دوره تاریخی واحدهای سیاسی - اداری درون کشوری بیشتر با واحدهای طبیعی و جغرافیایی تطابق و همخوانی داشته است. از اهمیت این عامل در دوره معاصر، به دلیل پیشرفت تکنولوژی ارتباطی و حمل و نقلی تا حدود قابل توجهی کاسته شده، هر چند که هنوز هم ویژگی‌های طبیعی و سرزمینی الگو و شکل کالبدی تقسیمات کشوری را تحت تأثیر قرار می‌دهد (اعظمی و دبیری، ۱۳۹۰:۱۵۳). در نتیجه، برای سازماندهی بهتر سیاسی فضا، یکی از مهمترین مؤلفه‌ها، شکل‌گزینی مناسب برای تقسیمات واحدهای سیاسی است؛ زیرا شکل هندسی در سرنوشت واحدهای سیاسی سهم بسزایی دارد و دارای نقش بسیار مهمی در اداره و توسعه آنهاست (غلامی و همکاران، ۱۳۹۲:۱۰۰). به هر ترتیب به آنکه سالیان طولانی تهران به عنوان پایتخت کشور انتخاب شده است، مسئله دسترسی به ویژه استان‌های مرزی که فاصله هزاران کیلومتری با پایتخت دارند بسیار اهمیت یافته است. به‌گونه‌ای که اکثر خدمات و امکانات موجود در پایتخت کشور تمرکز پیدا کرده و علاوه بر آن تمامی سازمان‌های مهم و وزارتخانه‌ها به‌گونه‌ای در این استان تمرکز یافته این تمرکز دستگاه‌های اداری و تمرکز خدمات در تهران از یک طرف و عدم دسترس مناسب سایر استان‌ها به این دستگاه‌ها و منابع یکی از چالش‌ها و آسیب‌های اساسی در سازمان فضایی کشور است که به همین دلیل زیان‌های بسیاری را به جای گذاشته است.

این عامل نیز در ارتقای سطوح تقسیمات کشوری در استان چهارمحال و بختیاری نقش مؤثری داشته است. موقعیت جغرافیایی استان چهارمحال و بختیاری کوهستانی و دارای مسیرهای صعب‌العبور بوده و این مسیرها که اغلب جاده‌های روستائی را شامل می‌شود، در فصل سرما به دلیل ریزش‌های جوی تردد را سخت کرده و این عامل باعث شده سکنه‌ی این مناطق برای مدت زمان تقریباً طولانی نتوانند برای دسترسی به خدمات مورد نیاز خود به مراکز استان و شهرستان مراجعه کنند. بنابراین با توجه به این عوامل، نیاز به توسعه‌ی مناطق امری ضروری است که همواره مورد توجه مسولان استان بوده است. ارتقای روستای سردشت و تبدیل آن به شهر سردشت در بخش رودشت شهرستان لردگان در همین راستا صورت گرفته است.

### ج) دور افتادگی و دسترسی نامناسب روستائیان به مراکز خدماتی

مکان مرکزی به مکانی اطلاق می‌شود که کالا و خدمات مورد نیاز را در اختیار نواحی فراتر از حول و حوش خود قرار می‌دهد و از این نظر برای مناطق متعددی مرکزیت دارد و منبع مایحتاج آنها به حساب می‌آید (پاپلی یزدی و رجیبی سناجردی، ۱۳۸۲:۱۸۵). اگر این شاخص را نیز مانند سایر شاخص‌ها که معیار و ضابطه‌ای جهت انتخاب بهینه یا مرکزیت مورد استفاده قرار می‌گیرد و در آن نحوه ارتباط کانون با حوزه نفوذ از طریق سیستم راه‌های ارتباطی (طول راه و فاصله) بر اساس تحلیل هزینه-فایده و نظریه اصل میانگین (زمان - پول) مورد سنجش قرار می‌گیرد و نقاطی که دارای مرکزیت بهینه‌ای باشند، می‌توانند نسبت به سایر نقاط هم‌جوار از امتیاز مرکزیت برخوردار گردند (میرشکاران، ۱۳۸۶:۵۶). از این نظر شکل فضایی حکومت قادر است تا بر چشم‌انداز وحدت آن کشور اثر گذارد (بدیعی، ۱۳۶۲:۱۶) و همچنین ممکن است مشکلاتی در اداره امور کشور ایجاد کند (میرحیدر، ۱۳۸۱:۸۲). لذا، شناسایی دقیق و کمی مکان‌ها و مناطق دارای فرصت‌ها و پتانسیل بالای توسعه‌زا، برای حکومت‌های ملی و دولت‌های مرکزی آنها بسیار حیاتی است؛ زیرا این‌گونه فضاها باید بار تکفل موقت یا حتی دائمی مناطق محروم را بر عهده گیرند (کریمی‌پور، ۱۳۸۱). توزیع خدمات در درون یک جامعه، معمولاً بر اساس مرکزیت هندسی نقاطی در نظر گرفته می‌شوند که مردم دسترسی بیشتری به آن داشته باشند این نقاط برتر تحت عنوان مرکز، بخش یا استان شناخته می‌شوند (احمدی‌پور، ۱۳۸۰:۸۱). بر اساس ماده ۱۰ قانون تقسیمات کشوری دولت موظف است با حفظ جهات سیاسی و اجتماعی، هر روستا را به نزدیک‌ترین مرکز دهستان و هر دهستان را به نزدیک‌ترین مرکز بخش و هر بخش

را به نزدیکترین مرکز شهرستان و هر شهرستان را به نزدیکترین مرکز استان منضم نماید (پورتال اطلاع رسانی وزارت کشور). این ماده نشان دهنده اهمیت عامل «دسترسی» در نظام تقسیمات کشوری است. شاخص دسترسی با فاصله دارای همبستگی منفی هستند، یعنی با افزایش یکی، دیگری کاهش می‌یابد. عامل دسترسی و فاصله از لحاظ علمی و فنی نیز باید در ترسیم مرزهای واحدهای اداری-سیاسی مورد توجه واقع شود.

در نهایت اینکه بعضی از مکان‌ها، از مراکز استان و شهرستان‌ها فاصله‌ی زیادی دارند و به همین دلیل از دسترسی به مرکز خدماتی، اداری، سیاسی به دور هستند. ایجاد شهر آلونی در بخش خان‌میرزا و شهر مال خلیفه در بخش فلارد از توابع شهرستان لردگان دلیل بر این ادعاست.

بنابراین با توجه به موارد گفته شده در قسمت یافته‌های تحقیق، فرضیه‌ی مطرح شده تأیید می‌شود.

### بحث و نتیجه‌گیری

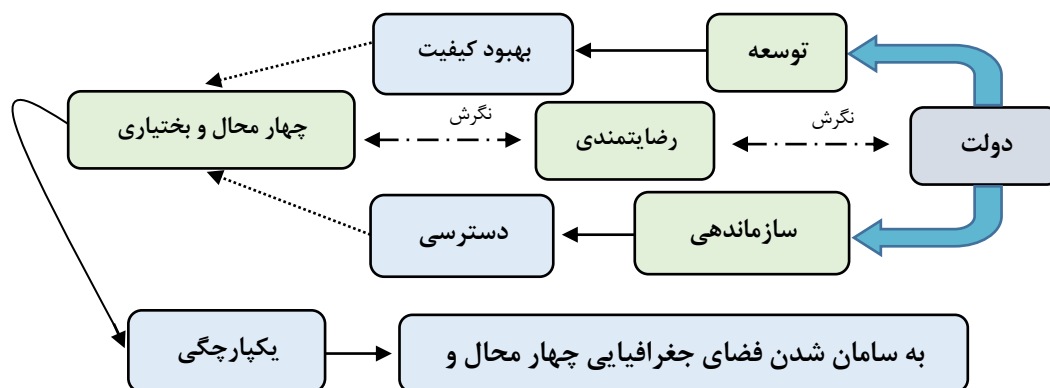
تا قبل از انقلاب مشروطه، هیچ قانون خاصی در زمینه‌ی تقسیمات کشوری وجود نداشت. تا اینکه در سال ۱۲۸۵ هجری شمسی اولین قانون تقسیمات کشوری به تصویب مجلس رسید. براساس این قانون کشور به ۴ ایالت و ۱۲ ولایت به اضافه‌ی دارالخلافه‌ی تهران تقسیم شد. دومین قانون تقسیمات کشوری در آبان ماه سال ۱۳۱۶ هجری شمسی به تصویب مجلس رسید که براساس آن کشور به ۶ استان و ۵۰ شهرستان تقسیم شد. اما این قانون در دی ماه همان سال اصلاح شد و نهایتاً کشور به ۱۰ استان و ۴۹ شهرستان تقسیم‌بندی شد. سومین قانون تقسیمات کشوری در تیر ماه سال ۱۳۶۲ به تصویب مجلس رسید که براساس آن تغییراتی در شاخص‌های ارتقاء سطوح تقسیمات کشوری به وجود آمد و بحث تعداد جمعیت، وسعت و تراکم ملاک عمده‌ی ارتقاء سطوح تقسیمات کشوری شد. در حال حاضر الگوی تقسیمات کشوری در ایران چندان مطلوب نیست و نیاز به تجدید نظر اساسی در زمینه‌ی قانون تقسیمات کشوری است. از آنجایی که در الگوی تقسیمات کشوری، عمدتاً معیار تعداد جمعیت در نظر گرفته می‌شود و اغلب با عامل سیاسی همراه شده است (فشار نیروهای سیاسی جهت ارتقای سطوح پایین‌تر به سطوح بالاتر تقسیمات) باعث عدم توازن الگوی تقسیمات کشوری در ایران شده است. بنابراین نیاز است که در زمینه‌ی تقسیمات کشوری فقط به معیار جمعیت توجه نشود و یک الگوی چند معیاری شامل (وسعت، بنیادهای زیستی و توان‌های محیطی، زیرساخت‌ها، ساختار اقتصادی و اجتماعی، ساختار قومی، فرهنگی و مذهبی و ...) توجه شود. به هر روی در این تحقیق، عواملی در ارتقاء سطوح تقسیمات کشوری شهرهای استان چهارمحال و بختیاری نقش داشته است، که با توجه به تحلیل‌های صورت گرفته می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت؛

الف) مهمترین عاملی که در ارتقاء سطوح تقسیمات کشوری شهرهای استان چهارمحال و بختیاری مؤثر بوده است، محرومیت و توسعه نیافتن استان بوده است که این تغییرات تقسیماتی در اکثر مناطق به خصوص در جنوب استان استان صورت گرفته است.

ب) با توجه به این که موقعیت جغرافیایی و وضعیت طبیعی استان چهارمحال و بختیاری کوهستانی است، در بعضی از مناطق استان عامل دور افتادگی و دسترسی نامناسب روستائیان به مراکز خدماتی در ارتقاء مکان‌ها مؤثر بوده است، که این تغییرات تقسیماتی اکثراً در قسمت‌های جنوب، غرب و شمال غرب استان رخ داده است.

ج) در شمال استان چهارمحال و بختیاری عامل قدرت نقش اصلی در ارتقاء سطوح تقسیماتی داشته است. با توجه به تحلیل‌های صورت گرفته، مشخص می‌شود که عواملی مانند (محرومیت و توسعه نیافتن مناطق، موقعیت جغرافیایی و وضعیت طبیعی استان و دور افتادگی و دسترسی نامناسب روستائیان به مراکز خدماتی) نقش اساسی در ارتقاء سطوح تقسیماتی در استان داشته است. اگرچه عوامل دیگری مانند (درخواست و پیشنهاد نماینده‌ی مجلس) جهت توسعه‌ی منطقه در این زمینه نقش داشته است، ولی در مجموع پیشنهاد نماینده مجلس در راستای سه عامل

قبلی صورت گرفته است. در نهایت با توجه به هدف نظام تقسیمات کشوری که همان، ارثی بهتر امکانات، تسهیلات، خدمات عمومی (آموزش، بهداشت، امنیت و...) و تسهیل در اعمال حاکمیت دولت می‌باشد، امید آن است که هم‌ی تغییرات و تحولاتی که در زمینه‌ی تقسیمات کشوری در استان چهارمحال و بختیاری رخ می‌دهد، همه در راستای همان هدف اصلی نظام تقسیمات کشوری (توسعه منطقه‌ای و ملی) باشد.



شکل ۷: فرآیند سازماندهی سیاسی بهینه و نقش مؤثر آن در چهار محال و بختیاری (مأخذ: نگارندگان،



## منابع

۱. احمدی پور، زهرا، قنبری، عزیزالله و محمدرضا حافظنیا (۱۳۸۹)، "تأثیر الگوی تقسیمات کشوری بر توسعه ی فضای جغرافیایی (مورد مطالعه: استان زنجان)"، فصلنامه‌ی مدرس علوم انسانی - برنامه ریزی و آمایش، دوره‌ی ۱۴، شماره ۴، صص ۳۹-۶۲.
۲. احمدی پور، زهرا؛ قنبری، قاسم و قاسم کرمی (۱۳۹۲)، سازمان دهی سیاسی فضا، تهران: انتشارات سازمان جغرافیای نیروهای مسلح.
۳. احمدی پور، زهرا (۱۳۷۸)، "مروری بر تاریخچه و سیر تحولات تقسیمات کشوری در ایران"، مجله رشد جغرافیا. شماره ۵۰.
۴. احمدی پور، زهرا (۱۳۸۰)، همایش امنیت عمومی و وحدت ملی، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات وزارت کشور.
۵. احمدی پور، زهرا و علیرضا منصوریان (۱۳۸۵)، "تأثیر الگوی تقسیمات کشوری و بی‌ثباتی سیاسی در ایران"، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره اول، صص ۸۲-۶۹.
۶. احمدی پور، زهرا و میثم میرزایی تبار (۱۳۹۰)، "نقش احساس مکانی در سازماندهی سیاسی فضا"، فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، دوره ۴، شماره ۱۲، صص ۶۲-۴۷.
۷. احمدی پور، زهرا، قنبری، قاسم و عاطفه عاملی (۱۳۸۸). تحلیل عوامل مؤثر بر ارتقاء سطوح تقسیمات کشوری مطالعه موردی: شهرستان‌های استان فارس، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال پنجم، شماره ۱، صص ۴۷-۲۹.
۸. احمدی پور، زهرا (۱۳۸۷)، کارکرد تقسیمات کشوری در افزایش ضریب امنیت ملی، دهمین کنگره جغرافیایی، تهران (۱۳۸۲). تحلیل مبانی جغرافیایی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران، نشریه علوم جغرافیایی، شماره ۱.
۹. احمدی پور، زهرا، جعفرزاده، حسن و محمدرضا میرزایی (۱۳۹۳)، "تحلیل کارکردی تقسیمات کشوری در اجرای برنامه‌های آمایش سرزمین با تأکید بر ایران"، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۱-۱۲.
۱۰. اطاعت، جواد و روح‌الله نیکزاد (۱۳۹۵). تأثیر تقسیم سیاسی فضا بر توسعه منطقه‌ای (مطالعه موردی: استان-های سواحل جنوبی ایران)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۸، شماره ۲، صص ۲۲۷-۲۴۳.
۱۱. اعظمی، هادی و علی اکبر دبیری (۱۳۹۰)، "تحلیل نظام تقسیم سیاسی فضا در ایران"، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره دوم، صص ۱۸۱-۱۴۷.
۱۲. انوری، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، هشت جلد، تهران: نشر سخن.
۱۳. اهلرز، اکارت (۱۳۶۵)، ایران: مبانی یک کشورشناسی جغرافیایی، ترجمه محمدتقی رهنمایی، تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب.
۱۴. بلوچی، محمد و حیدر لطفی (۱۳۹۶). بررسی نظام تقسیمات کشوری در ایران: مطالعه موردی استان سمنان در راستای ارائه یک مدل علمی بر مبنای متغیرهای جغرافیایی، سال دهم، شماره اول، صص ۴۳-۱۵.
۱۵. بیگ محمدی، حسن (۱۳۷۶)، مقدمه‌ای بر جغرافیایی تاریخی ایران، چاپ چهارم، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

۱۶. پاپلی یزدی، محمد حسن و حسین رجبی سناجردی (۱۳۸۲). نظریه‌های شهر و پیرامون، تهران: انتشارات سمت.
۱۷. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۷)، جغرافیای سیاسی ایران، تهران: انتشارات سمت.
۱۸. حافظ‌نیا، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۲)، تحلیل مبانی جغرافیایی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران، نشریه علوم جغرافیایی، شماره ۱.
۱۹. حیدری، زهرا (۱۳۹۵)، بررسی چگونگی تغییر در کیفیت آموزش معارف، تهران: مجموعه مقالات دهمین کنگره پیشگامان پیشرفت.
۲۰. راحمی، محمد و همکاران (۱۳۹۷)، "بررسی سازماندهی سیاسی فضا در نواحی سکونتگاهی کشور مورد مطالعه: شهرستان کاشان"، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال هشتم، شماره ۳۰، صص ۸۹-۱۰۲.
۲۱. رضاییان، علی (۱۳۸۵)، تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم، تهران: انتشارات سمت.
۲۲. روستایی، شهریور (۱۳۷۷)، سازمان فضایی نظام سکونتگاهی و نقش آن در تعادل ناحیه‌ای، مورد: آذربایجان، رساله دوره دکتری رشته جغرافیای انسانی، به راهنمایی گیتی اعتماد، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۳. رومینا، ابراهیم (۱۳۹۰)، تبیین مدیریت سیاسی فضا در سیستم‌های بسیط مرکزی، رساله دکتری رشته جغرافیای سیاسی به راهنمایی محمدرضا حافظ‌نیا، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۴. رهنما، محمد رحیم و احمدی پور، زهرا (۱۳۸۲)، "درجه‌بندی نظام تقسیمات کشوری"، فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۹ و ۷۰.
۲۵. زاهدی، شمس السادات (۱۳۹۲)، تجزیه و تحلیل سیستم‌ها، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۲۶. شکور، علی، زنگی آبادی، علی و فضل‌الله کریمی قطب آبادی (۱۳۹۳). ضرورت و دلایل تقسیمات استانی در ایران با رویکرد منطقه‌ای (مطالعه موردی: استان فارس)، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۱-۱۲.
۲۷. عاملی، فاطمه (۱۳۸۲)، تعیین مرکزیت واحدهای سیاسی و اداری براساس تحلیل همگن شرایط اجتماعی و دسترسی‌ها با استفاده از سنجش از دور و GIS، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی زهرا احمدی پور، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۲۸. غلامی، بهادر، احمدی، سیدعباس و حسین خالدی (۱۳۹۴)، "سازماندهی سیاسی فضا و چالش‌های ناحیه‌ای در ایران (مطالعه موردی: استان‌های ایلام و آذربایجان غربی)"، دوره نوزدهم، شماره ۲، صص ۸۹-۱۲۰.
۲۹. قالیباف، محمدباقر (۱۳۸۶)، حکومت محلی یا استراتژی توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳۰. قانون تقسیمات کشوری و وظایف مدیران و بخشداران (۱۳۱۶).
۳۱. قربانی سپهر، آرش (۱۳۹۷)، تبیین مفهوم و قلمرو جغرافیای سیاسی فضای شهر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۳۲. قریب، فریدون (۱۳۸۷)، بررسی تطبیقی نظام‌های شهرسازی (هلند، نروژ، سوئد، فنلاند و دانمارک)، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳۳. کریمی پور، یدالله (۱۳۸۱)، مقدمه‌ای بر تقسیمات کشوری ایران، جلد اول: وضع موجود، تهران: انجمن جغرافیای ایران.
۳۴. گزارش درخواست‌های مردمی پس از انقلاب اسلامی (۱۳۸۶). دفتر تقسیمات کشوری وزارت کشور.

۳۵. لطفی، حیدر (۱۳۹۴)، "بررسی تطبیقی تأثیر شکل مدیریت سیاسی فضا بر توسعه منطقه‌ای مطالعه موردی جزایر قشم و کیش"، فصلنامه آمایش محیط، شماره ۳۲.
۳۶. لطفی، حیدر (۱۳۹۵)، "سازماندهی سیاسی فضا بر اساس شاخص‌های توسعه پایدار در پراکنش فضایی نابرابری‌های ناحیه‌ای در سه استان خراسان بزرگ"، فصلنامه خراسان بزرگ، سال هفتم، شماره ۲۴، صص ۷۵-۹۰.
۳۷. مختاری، قاسم (۱۳۹۲)، تفکر سیستمی (مبانی، ابزار و روش)، قم: انتشارات دانشگاه قم.
۳۸. مرصومی، نفیسه و همکاران (۱۳۸۸). "تحلیل توسعه ناحیه‌ای با تأکید بر تقویت سازمان فضایی شهرها مطالعه موردی: شهرهای کوچک ناحیه مرند"، نشریه جغرافیا، سال هفتم، شماره ۲۲، صص ۱۵۷-۱۴۵.
۳۹. معین، محمد (۱۳۸۱)، فرهنگ فارسی معین، یک جلدی بر اساس فرهنگ شش جلدی دکتر محمد معین، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
۴۰. میرشکاران، یحیی (۱۳۸۶)، تحلیل عوامل مؤثر بر ناپایداری مرزهای تقسیمات کشوری ایران پس از انقلاب اسلامی (سطح شهرستان)، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی، به راهنمایی زهرا احمدی پور، دانشگاه تربیت مدرس.
۴۱. میرشکاران، یحیی (۱۳۹۲)، الگوی سازماندهی سیاسی فضا در ساختارهای بسیط با تأکید بر ایران، رساله دکتری رشت جغرافیای سیاسی، به راهنمایی زهرا احمدی پور، دانشگاه تربیت مدرس.
۴۲. هوشیار، محمد مهدی (۱۳۷۹)، تحلیل الگوی تقسیمات کشوری شمال خراسان، نمونه: شهر اسفراین، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی به راهنمایی زهرا احمدی پور، دانشگاه تربیت مدرس.
43. Brunet, R. (1996), Building Models for Spatial Analysis, special issue in English, geography and anthology, CNRS, Paris.
44. Cameron, A Maxwell & Falleti, Tulia. (2005), Federalism and the subnational separation of power, oxford university press on behalf of csf association publius. Inc.
45. Dufaux, F, (2008), Birth announcement, justice spatial/ spatial justice, www.jssj.org. (October 2010).
46. Fullan. M. (2005), Leadership & Sustainability: System Thinkers in Action, Thousand Oaks, CA: Corwin Press, Inc.
47. Hillier, B and Hanson, J. (1984), The Social logic of Space, Cambridge University Press, Cambridge.
48. Jedrej, M.C (2000). Time and Space, in Barnard, A. Spencer, Jonathan.
49. Kitchin, R. and Thrift, N. (2009), International Encyclopedia of Human Geography. Uk: Elsevier.
50. Soja, Edward, (1990), Postmodern geographies, reassertion of space in critical social theory, Verso, second expression, London – Newyork.